

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literara-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"

دل مهجور

گرچه حرف حق به دار آویخته منصور را
تا ز آه مستمندان در امان باشی بکوش
لاف آقائی زدن، منفور عالم گشتن است
گرچه خود والامقامی، دست حق بالاترست
اشک از چشم یتیمان پاک کن، آخر چرا؟
صد چو فرعون آمد و در نیل هستی غرق شد
با توکل دیده بکشا، روشنائی ها ببین
چشم می گردانی و آتش به عالم می زنی
یک کتاب از داستان نامرادی هاست دل
مفتی شهرم به می نوشی ملامت می کند
می نمینوشم، مگر مشکل که بهر دفع غم
چند می خوانی به من آهنگ جبر و اختیار

حق بگو، پروا مکن ارباب جاه و زور را
دل نرنجانی گهی، افتاده معذور را
تا شوی منظور، بشکن کله مغرور را
حق شناس و حق بده زحمت کش مزدور را
بهر قطع دست و پا برداشتی ساطور را
ای خداجو! موسی عمران ببین و طور را
بی سبب تمکین چه لازم هر کر و هر کور را
داده ای فرمان مگر، این فتنه مخمور را
کس چه می داند زبان این دل مهجور را
خود گرفتار است صدها خصلت محذور را
در درون خُم نریزم، دانه انگور را
اختیار آخر چه باشد آدم مجبور را

تا «اسیر» از فیض لطف دوستان مشهور شد

قدر بشناسید، آخر شاعر مشهور را

(بن - المان، می ۱۹۹۹ع)